

مسئولیت مدنی ترک فعل مسئولان ناشی از تفویض زمان غیر^۱

علمی - مروری

مصطفی کیخا *

شقایق عامریان **

عبدالرضا محمد حسین زاده ***

چکیده

ضمان ناشی از تفویض زمان غیر، یکی از موضوعات بحث انگیزی است که ذیل مسأله ترک فعل مسئولان مطرح می‌گردد. فوت زمان به موجب ترک فعل، این پرسش را فراروی محققان قرار داده که آیا می‌توان از دست رفتن زمان غیر را یک نوع خسارت دانست و تارک فعل را به مسئولیت مدنی محکوم نمود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، مباحث خود را بر اساس این فرضیه سامان داده است که اگر ترک فعل مسئولان منجر به فوت زمان افراد شود، مشمول ضمانت اجرا خواهد بود. رهاورد این پژوهش این است که اگر چه در حقوق ایران فصلی از ترک فعل مسئولان ناشی از فوت زمان یافت نمی‌شود، اما مصادیقی نظیر مضاربه، جعاله، تاخیر در مدیریت بحران و تاخیر بلاذلیل قانونی و موجه در صدور مجوز کسب و کار، و ... دلالت بر مسئولیت مدنی مسئولان تارک فعل دارد. به علاوه از منظر فقهی نیز، قواعدی چون لاضرر، اتلاف و تسبیب، مواخذة غاصب، احترام مال مسلم و عدالت، نشانگر این نوع از مسئولیت هستند.

واژگان کلیدی: ترک فعل مسئولان، ضمان قهری، تفویض زمان، ضرر، مسئولیت مدنی

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۱/۰۸/۲۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۲/۰۳/۳۱)

* دانشجوی دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، آدرس پست الکترونیک: www.m.keikha.69@gmail.com

** (نویسنده مسئول): دانشجوی دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، آدرس پست الکترونیک: shaghayegh.amerian1647@gmail.com

*** دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، آدرس پست الکترونیک: mhosseinzadeh@uk.ac.ir

مقدمه

انسان همواره درصدد بهترین استفاده از اوقاتش است و شاید هیچ شخصی نباشد که به خاطر عدم استفاده به موقع از زمان ها، خود را سرزنش نکرده باشد و حسرت زمان های از دست رفته خود را نخورده باشد. در قرآن وقت به عنوان اوج ارزش ها و مادر فضائل معرفی شده است تا جایی که خداوند به آن سوگند یاد می کند و می فرماید: «والعصر» (عصر: ۱)؛ مطابق با این سوگند خداوند هر آنچه موجب اتلاف وقت شود را به عنوان لغو، باطل و افراط، مورد سرزنش قرار می دهد. آیاتی نظیر «و الذین هم عن اللغو معرضون» (مومنون: ۳) «ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله» (زمر: ۵۶) و «و هم یصطرخون فیها ربنا اخرجنا...» (فاطر: ۳۷) بیانگر این مطلب هستند که مومنان کسانی اند که از کارهای بیهوده روی گردان هستند و به وقت اهمیت می دهند و عده ای به علت عدم استفاده درست از وقت، حسرت بازگشت به دنیا و استفاده از وقت جهت انجام اعمال صالح را از خدا می طلبند. امامان معصوم نیز به طور مکرر مردم را به اغتنام فرصت ها و اهمیت دقت استفاده از وقت سفارش می نمودند. به عنوان نمونه امام صادق (ع) می فرماید: «هیچ چیزی عزیزتر از روح و وقت تو نیست» (تویسرکانی، ۱۳۲۱، ج ۱/ ص ۱۶). ما با یک نگاه در جهان هستی می فهمیم که همه چیز بر اساس نظم دقیق و وقت شناسی چینش شده است. از این رو زمان یکی از ذی قیمت ترین موضوعات در زندگی بشر محسوب می گردد که می تواند منصرف به تحصیل منفعت یا دفع ضرری در حال، یا آینده باشد. حال اگر کسی موجبات از دست رفتن زمان افراد را فراهم سازد، اقدام به سلب یکی از متعلقات ارزشمند انسانی کرده است. بنابراین از آنجا که یکی از اصول مورد پذیرش در تمام نظام های حقوقی، عدم موجبات اضرار به غیر است که در فقه اسلامی با عنوان قاعده لاضرر شناخته می شود، فعل یا ترک فعل افراد نباید موجبات ضرر به دیگران را فراهم سازد. ترک فعل و تاخیر مسئولان در مدیریت بحران و آثار ویران گر اقتصادی و اجتماعی آن، و یا تفویض و تاخیر بلادلیل قانونی و موجه در صدور مجوز کسب و کار و حتی در ابعادی کوچکتر، ترک فعل کارمندان دولتی، که ساعت ها بدون عذر، وقت شهروندان را فوت می گردانند، و یا مسئولان راهنمایی و رانندگی و یا دارندگان خودرو که باعث ایجاد ترافیک و وقت سوزی می شوند و یا اساتیدی که با عدم برگزاری کلاس درس، به فوت وقت دانشجویان و دانش آموزان اقدام می نمایند و یا مسئولین قضایی و غیرقضایی با ترک فعل خود، موجب سلب وقت سایر کارمندان می شوند و هزاران مصداق مشابه

دیگر، موضوعاتی هستند که در واقع به نوعی موجب فوت وقت و تضرر به حقوق افراد می شوند. بنابراین از آنجا که تفویت زمان ناشی از ترک مسئولان، رفتاری است که موجب شیوع بیشتر تعدی و تضرر به حقوق افراد و از بین رفتن نظم عمومی می شود، ضروری است بررسی گردد که از نظر فقهی حقوقی چه جایگاهی دارد. بی شک کاربرد این نوشتار در نظام حقوقی و قضایی بیشتر نمود خواهد داشت و اهمیت بحث را دوچندان می کند، چرا که به رسمیت شناختن و قانونی تلقی شدن مسئولیت مدنی تفویت زمان، توسط مراکز حقوقی و قانونی و به اصل درآمدن آن موجب می گردد که اشخاص این جنبه از ضمانت را در قالب یک اصل حقوقی بیش از گذشته رعایت کرده و توجه بیشتری نسبت به مسئولیت ها و ترک فعل های خویش در مقابل هموعانشان داشته باشند. نظریه تفویت زمان در فقه و حقوق صراحتاً مورد تبیین قرار نگرفته است. از منظر فقهی تنها به موضوع عدم النفع مسلم، اشاره شده که به نوعی حاکی از فرصت از دست رفته می باشد و از فوت زمان سخنی به میان نیامده است. در کلام حقوقدانان نیز تنها در لا به لای مساله جعاله و مضاربه به چشم می خورد که در خصوص فوت فرصت، نه زمان قائل به مسئولیت مدنی شده است. آثاری از نویسندگان در خصوص تفویت فرصت نیز به رشته تحریر درآمده است نظیر: مقاله «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته» نوشته ابوالفضل بهاری اردکانی که نگاه نویسنده بیشتر به سمت تفاوت سنجی فرصت با ایجاد خطر و عدم النفع بوده، مقاله «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت - بررسی اجمالی در حقوق اروپا و ایالت متحده آمریکا» نوشته منصور امینی که از دست دادن فرصت را در حقوق اروپا و آمریکا با نگاهی اجمالی به حقوق ایران مورد بررسی قرار داده، مقاله «نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی» نوشته محمود کاظمی که شرایط قابل جبران بودن خسارت فوت فرصت را مورد ارزیابی قرار داده است. وجه تمایز نوشتار پیش رو با سایر آثار در این می باشد که اولاً؛ موضوع ما در خصوص از دست رفتن زمان و وقت انسان هاست که این موضوع در هیچ یک از آثار فقها و حقوقدانان به چشم نمی خورد و تمامی منابع موجود در راستای فوت فرصت و موقعیت است، لذا این موضوع برای اولین بار مورد ارزیابی قرار می گیرد. ثانیاً؛ نویسندگان در نظریه تفویت فرصت تنها به تفاوت سنجی فرصت با واژگان همگون، شرایط ایجاد مسئولیت در ذیل احراز ضرر و نظریه حقوق کشورها پرداخته اند. در حالی که ما در نوشتار پیش رو هم با ادله و قواعد فقهی ایجاد مسئولیت را خاطر نشان ساختیم و هم در حقوق ایران مصادیقی را در خصوص فوت زمان ذکر نمودیم که همگی

ابتکار و ایده نویسندگان این مقاله می باشد که در هیچ اثری یافت نمی شود. به علاوه مسئولیت سنجی تفویت زمان غیر، با تطبیق در حقوق فرانسه ذیل سه نظریه تقصیر، اماره تقصیر و تئوری خطر مورد بررسی قرار می گیرد. ثالثاً؛ این پژوهش تنها فوت زمان و ضمانت اجرا را مورد بررسی قرار نداده، بلکه این اقدام را توسط ترک فعل مسئولان مورد ارزیابی قرار داده است. به دیگر بیان رفتار انفعالی در ترک فعل مسئولان که موجب از دست رفتن وقت افراد می شود، برای اولین بار در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد که تطبیق نظریه ضمان زمان با ترک فعل مسئولان نیز از ابتکارات پژوهش پیش رو است. نوشتار حاضر به روش توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوالات است که آیا می توان برای تفویت زمان ناشی از ترک فعل مسئولان، قائل به مسئولیت مدنی شد؟ فقها و حقوقدانان در خصوص تفویت زمان غیر، نظریه ای را اتخاذ کرده اند؟ چه ادله ای را می توان در راستای ترک فعل مسئولان که منجر به فوت زمان افراد می شود، اقامه کرد؟ پژوهش حاضر ابتدا به مفهوم شناسی واژگان اصلی پرداخته و سپس با اقامه قواعد فقهی، اصول و مواد حقوقی، قائل به رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه، نهایتاً مسئولیت مدنی تفویت زمان ناشی از ترک فعل مسئولان می شود.

۱- چارچوب مفهومی

قبل از پرداخت به مساله مسئولیت مدنی و ضمان قهری تفویت زمان، به منظور روشنگری موضوع مورد تحقیق، در این جایگاه به ذکر مفاهیم مرتبط می پردازیم.

۱-۱- زمان

زمان در لغت به معنای وقت است (صانعی دره بیدی، ۱۳۶۶، ج ۱/ص ۳۸۲) و آن جریانی پیوسته، غیر قابل انقطاع و رونده می باشد (ابن فارس، بی تا، ج ۵/ص ۱۴۸ / انزابی نژاد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۱۴). و در اصطلاح عبارت است از: بعدی که در آن اتفاقات از گذشته تا به حال و از حال تا به آینده رخ می دهند. هایدگر زمان را به سه نوع زمان روزمره، طبیعی و زمان جهانی تقسیم می کند. در بحث زمان روزمره می گوید: «زمان آن چیزی است که، اتفاقات در آن رخ می دهند. زمان طبیعی را همان ساعت طبیعی تبادل روز و شب می دانند و درباره زمان جهانی اظهار می دارد که، حیات انسانی با جهان سرکردن و با آن درگیر شدن است» (هایدگر، ۱۳۸۳/ص ۵).

در ارزش گذاری زمان باید اذعان نمود که اگر بخواهیم فلسفه بسیاری از پیشرفت های موجود در عرصه حمل و نقل، تکنولوژی مالی، بروکراسی های اداری و... را دریابیم، چیزی جز کاستن از زمان غیر نیست. به گونه ای که افراد در جهت تحصیل زمان، حاضر به پرداخت مبالغ هنگفتی هستند (Heever Pat Van

۲۰۰۷, p۱۹, Den). با این بیان طبق مبانی فقهی ما هر آنچه دارای منفعت مقصوده عقلاییه باشد، می تواند دارای ارزش مالی تلقی گردد «قد احترزوا بهذا الشرط عمّا لا یتتفع به منفعه مقصوده للعقلاء، محلّله فی الشرع»، و ملاک تشخیص آن نیز تنها عرف خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴/ص ۹). هرچند در گذشته فعالیت افراد و منافع عملی آنان مورد ارزش گذاری و نقل و انتقال قرار می گرفت و زمان تحصیل منافع در آینده نیز، که ملازم با فعالیت عملی اجبر بود مورد بی توجهی قرار می گرفت، اما امروزه با توجه به ارزش زمان و وقت به عنوان لازمه فعالیت افراد و کسب منافع بهتر، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. به خصوص در شرایط اضطراری و کرونایی امروز که با هرگونه فعل یا ترک فعلی در قبال همه گیری کرونا موجب هدر رفت زمان خواهد شد، که نتیجه آن متضرر شدن فرد در منافع بسیاری خواهد بود. درست است که ظاهراً امکان نقل و انتقال زمان بدون جنبه فعالیتی وجود ندارد، اما عرف می تواند تفویض آن ها را که لازمه فعالیت و تحصیل منافع است، دارای ارزش و مالیت بداند. پس مبنای ما در مسئولیت مدنی فوت زمان، از بین بردن ارزشی که متعلق به غیر است، می باشد.

۱-۲- تفویض

واژه تفویض، اقتباس شده از عنوان «فوت» می باشد، که از نظر مفهومی به معنای از دست رفتن چیزی که، قابل برگشتن نباشد، است. طبق این تعریف تفویض به معنای عملی است، که به فوت منتهی شود (محقق ثانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱). در ارتباط متقابل میان تفویض و اتلاف باید اذعان داشت، که تفویض، اعم از اتلاف است. به دیگر بیان تفویض مواردی که اتلاف قلمداد نمی شوند را نیز، در بر می گیرد. برای مثال حبس شخص کاسب، عنوان تفویض منافع را در بطن خود به همراه دارد، اما صادق بر عنوان اتلاف نمی باشد (Entrepreneurship, ۱۳۹۱, p۳).

نکته حائز اهمیت این می باشد، که فوت زمان توامان با ضرر و زیان است. به این بیان که در برخی مواقع موقعیتی در یک زمان پیش می آید و ممکن است که مجدداً چنین موقعیتی در زمانی دیگر هرگز لحاظ نشود. بنابراین موقعیتی که از دست می رود، می تواند منصرف به تحصیل نفع یا اجتناب از ضرری (مادی یا معنوی)، در آینده باشد (امینی، ۱۳۹۰، ص ۳۹). تفویض زمان اگرچه غالباً با فعل افراد انجام می شود، اما گاه ترک فعل افراد نیز نقش مسقیم در فوت آن خواهد داشت. بی شک این دو مفهوم در شرایط اضطراری کرونا در هر کشوری بیشتر خود را جلوه می دهد، زیرا استفاده درست از زمان هم در دفع ضرر موثر است و هم در تحصیل منفعت. از این باب که تفویض هر یک از آن ها آثار قابل لمس تری را نسبت به شرایط عادی کشور نشان خواهد داد، بنابراین افراد بیش از هر زمانی نسبت به زمان های خود توجه می نمایند و بیش از هر زمانی ارزشمند خواهند بود.

۱-۳- ترک فعل

ترک از نظر لغوی به معنای «دست برداشتن، گذاشتن چیزی یا رها کردن است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵/ص ۶۶۴۸). فعل نیز به معنای «حرکت مردم است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱/ص ۱۷۱۸۳). در قانون ایران ترک فعل به صراحت بیان نشده است، ولی می‌توان از موادی که از این واژه استفاده کرده‌اند، بهره جست. ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است. بنابراین اگر ترک فعل فرد باعث مرگ دیگری شود، محکوم کردن او به ارتکاب قتل در حکم شبه عمد ممکن است و در ادامه برای ترک فعل سه شرط را لازم می‌داند: ۱- وجود وظیفه قانونی ۲- ترک فعل با وجود توانایی بر انجام وظیفه ۳- رابطه سببیت بین ترک فعل و جرم. مطابق این گفته، در حقوق ایران در خصوص فعل و ترک فعل از نظر ماهیتی تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا همان طور که فعل افراد می‌تواند موجب ضرر به دیگری شود، ترک فعل نیز می‌تواند باعث خسارت به غیر شود. همچنین می‌توان برای ترک فعل، به موادی که در رابطه با تفریط و تقصیر سخن به میان آورده‌اند، استناد جست. ماده ۹۵۲ قانون مدنی نیز اعلام می‌دارد: تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. بنابراین هرگاه عرف عملی را برای حفظ حقوق و دارایی مردم ضروری بدانند، ترک آن عمل تقصیر محسوب می‌شود. و اینکه عرف ملاک برای تشخیص این عمل قرار داده شده، مستفاد از مواد ۱۶۸، ۲۲۰، ۲۲۵، ۳۳۴ و ۴۸۶، قانون مدنی است.

۱-۴- مسئولیت مدنی خارج قرارداد و ضمان قهری در فرض ترک فعل

مسئولیت به طور مطلق یعنی خواه مدنی و خواه کیفری، تعهدی را شامل می‌شود که شخص نسبت به فعل یا ترک فعلی کوتاهی ورزد، که در این صورت قصور او منجر به ضرر وارده می‌گردد و یا در عملکرد خود نسبت به فعل یا ترک فعلی، موجب ایجاد ضرر به غیر گردد، که در فقه از آن تعبیر به ضمان شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲). به دیگر بیان و به طور کلی، مسئولیت مدنی در مواردی است، که مرتکب ملتزم به جبران خسارت نسبت به دیگری است (مازو و شاباس، بی‌تا، ص ۳۷۴). همچنین در زمینه تعریف و توضیح مسئولیت، در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به صراحت این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به توضیحات فوق، مسئولیت به کیفری و مدنی، و مدنی به قراردادی و قهری منقسم می‌گردد. در مواقعی که ملتزم شدن و پذیرش مسئولیت شخص نسبت به مفاد قرارداد نهادینه شود، گفته می‌شود مسئولیت قراردادی شکل گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۰). اما مسئولیت قهری یا رویدادهای حقوقی و یا الزامات خارج

قرارداد؛ به این معناست که میان مرتکب و زیان دیده قرارداد یا تعهدی وجود ندارد، اما در عین حال فاعل با اقسامی که در ادامه به ذکر آن ها خواهیم پرداخت، موجبات ضرر را فراهم نموده، لذا از این باب نیز ضامن قلمداد می گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱/ص ۱۲)؛ ملاک تشخیص مسئولیت قراردادی از مسئولیت قهری، این می باشد که اولاً؛ بین مرتکب و زیان دیده قرارداد نافذی حاکم باشد و ثانیاً؛ ضرر ناشی از ترک تعهد منسوب به شخص مرتکب باشد. درحالی که ملاک در مسئولیت قهری، استعانت از عرف می باشد (قاسم زاده، بی تا، ج ۱/ص ۱۸)؛ باید خاطر نشان کرد که نقش ترک فعل در جرایم، توسط قانون گذار در ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده است. هرچند ترک فعل گفته شده در این ماده، مشروط به ترک است و نه مطلق ترک فعل، با این حال آنچه در این نوشتار مقصود ما می باشد، مسئولیت مدنی ترک فعل به شرطی که تاثیر آن بر نتیجه موثر باشد، است. به موجب توضیحات بیان شده می توان اذعان نمود که، پذیرفتن مسئولیت و تعهد شخص نسبت به جبران خسارت وارده به زیان دیده، یک قاعده طبیعی و موافق با قواعد عقلی و قانونی است. این سخن مستفاد از ماده ۳ و ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی، که هر انسانی را مسئول فعل یا ترک فعل خویش می داند.

۲- «تفویت زمان» در اندیشه فقها با رویکرد ترک فعل مسئولان

با بررسی ابواب مختلف فقهی، موضوعی که اشاره به فوت زمان از دست رفته داشته باشد، یافت نمی شود. اما آنچه به آن پرداخته شده است و نظرات زیادی را به خود جلب می نماید، مبحث عدم النفع در فقه است که تقریباً نزدیکترین مفهوم به تفویت زمان می باشد. با ملاحظه نظرات فقهی ذیل مبحث «عدم النفع مسلم»، می توان به نوعی پذیرش مبحث تفویت زمان را از جانب فقها دریافت (حسینی مراغه ای، ۱۴۱۷، ص ۳۰۸). اما میان این دو مفهوم تفاوت وجود دارد؛ اولاً؛ فوت زمان گاهی مرتبط با کسب منفعت و گاهی مرتبط با اجتناب از ضرری در آن زمان مقرر است، در حالی که عدم النفع تنها از دست دادن منفعت را در بر می گیرد. ثانیاً؛ بسیاری از فقها در راستای عدم النفع قائل به جبران خسارت شده اند (خمینی، ۱۳۶۷، ص ۷ / خوئی، ۱۳۶۸، ص ۳۶) اما در فوت زمان در مواردی جبران خسارت محتمل است، زیرا نمی توان به طور قطع بیان کرد که اگر ترک فعل مسئول نبود، منفعت کسب می شد و ضرر رفع می گردید. به دیگر بیان باید استناد این فعل زیان بار به زیان دیده (مسئول) ثابت گردد تا بتوان او را مشمول ضمانت اجرا قرار داد (امینیان مدرس، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵). بر این اساس باید بررسی گردد که آیا تفویت زمان از نظر فقهی ضرر محسوب می شود یا خیر؟

با توجه به مباحث سابق و رسیدن به این مطلب که نفس «تفویت زمان» موجب ضرر است، آن هم ضرری که بالفعل باشد نه مربوط به آینده، باید بررسی گردد که ضرر وارده از چه نوعی می باشد. در تعاریفی

که فقها از مفهوم مطلق ضرر ارائه داده‌اند، به برخی از اقسام ضررهای معنوی نیز اشاره نموده‌اند. هر گونه ضرری که غیر مالی باشد، مصداقی از ضرر معنوی خواهد بود (سنه‌وری، ۱۳۸۸، ص ۷۶۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۴۱۳). برخی دیگر در تعریف ضرر معنوی آورده‌اند: «هر گونه آسیبی که به حواس ظاهری، احساس، عاطفه، نفس، موقعیت خانوادگی، و شغلی و یا منزلت اجتماعی انسان وارد می‌شود و موجب تأثر درونی یا کاهش اعتبار و ارزش افراد شود» (العوجی، ۱۹۹۵، ج ۲/ص ۱۶۸؛ بجنوردی، ۱۴۱۰، ج ۱/ص ۲۱). برخی حقوق دانان خارج از هر مبنایی تفویض فرصت را یک زبان معنوی به کسی که فرصت او فوت شده دانسته‌اند (رنه داوید، ص ۱۳۸۱، ۲۴). برخی حقوقدانان فرانسوی نیز استدلال کرده‌اند که وقتی زبان دیده متوجه می‌گردد که فرصت دوری از ضرر را از دست داده است، در واقع دچار آسیب روانی و معنوی می‌گردد، که بی شک سبب و علت آن زیان زنده است؛ لذا جبران تفویض فرصت همان ضرر معنوی است (Fischer, 2002, P605). هرچند که در بین حقوقدانان ایرانی نیز افرادی پیدا می‌شوند، که قائل به ضرر معنوی تفویض فرصت هستند (کاتوزیان، ص ۱۳۸۶، ۲۸۴). با اینکه در حقوق فرانسه از فوت فرصت بحث شده، اما از آنجا که ملاک یکی است یعنی، زمان انسان‌ها مانند فرصت هایشان دارای ارزش بوده و جزء متعلقات آنان محسوب می‌شود، می‌توان نظریات حقوق کشورها در راستای فوت فرصت را با تنقیح مناط به فوت زمان نیز تعمیم داد.

با عنایت به این مطالب، قانون مدنی ایران گاه تقصیر و گاه ایراد ضرر را به عنوان مبنا در خصوص ضمان قهری مورد اشاره قرار می‌دهد (امامی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱). این کلام دال بر این مطلب می‌باشد که منافع نیز ارزشمند بوده و زیان به آن موجب ضمان خواهد بود. مبحث ضمانات در خلال ضررهای مادی-معنوی در مواد ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، به تفصیل بیان شده است. در فقه اسلامی آنچه فقها متکفل آن هستند، استنباط احکام کلی شریعت است و نه بیان موضوعات؛ زیرا آنچه موضوعات را (که یک امر ماهوی است) معین می‌سازد، قواعد و عرف اسلامی است. بنابراین شارع در بیان خود، به طور کلی از (لاضرر و لااضرار فی الاسلام) استفاده کرده و نسبت به مسائل جزئی (موضوع ضرر)، مسکوت مانده است. لذا در فهم موضوع ضرری باید عرف را ملاک عمل قرار داد. عده ای بیان می‌دارند که ضرر عنوانی است که نزد عرف روشن است و آن فقدان هرچیزی است که ما آن را دارا می‌باشیم و به موجب آن از اموری منتفع می‌شویم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۴۹). در فرض مسأله، عرف تفویض زمان را یک نوع ضرر می‌داند چرا که وقت افراد همانند سایر دارایی هایشان از ارزش برخوردار است. همان طور که عرف ضرر مادی را، به جبران خسارت محکوم می‌کند، درباره ضرر معنوی نیز، آن را داخل در مفهوم ضرر می‌داند (بجنوردی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۸). بر این اساس اگر قائل باشیم ضرر معنوی قابل جبران نیست، در حالی که عرف آن را یک نوع ضرر

تلقی می داند، حکم به امری ضرری داده ایم که با قاعده لاضرر ناسازگار می باشد. همان طور که مشاهده کردید عده ای از حقوقدانان فوت فرصت را مصداقی از ضرر معنوی تلقی کرده اند و از آن جا که زمان نیز همچون فرصت، غیر مالی محسوب می شود، اقدام به فوت آن در زمره ضرر معنوی قرار می گیرد. البته در وهله اول ضرری که از ترک فعل مسئول حادث شده می تواند ضرر مادی یا معنوی باشد، اما اگر این ترک فعل منجر به از دست رفتن زمان غیر گردد، مصداقی از تعدی و ضرر معنوی خواهد بود.

در خصوص ترک فعل نیز گفته شده، ترک فعلی موجب مسئولیت می شود که فعل آن مقدور باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۸۰۲). بنابراین ترک فعلی که به صورت تفریط باشد، ملاک در جهت ایجاد مسئولیت تلقی می گردد. در این راستا فقها به ماده ۳۳۴ قانون مدنی، استناد جسته اند که این ماده بیان می دارد: مالک حیوان بدون ترک تحفظ، مسئول خسارت وارده از حیوان نیست (مراغی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۵). این تفریط و ترک تحفظ یعنی، الزامی که نشأت گرفته از قانون یا عرف باشد. پس از این جهت که عرف تفویض زمان ناشی از ترک فعل افراد را، دارای ضرر محرز و حتمی می داند و همچنین نمود و وضوح این ضرر را خصوصا در شرایط همه گیری کرونا بیش از پیش ملاحظه می کند، تفویض زمان غیر را که ناشی از ترک فعل دیگری است، مصداق مسلم ضرر و زیان دانسته و طبق قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر، مسبب را شایسته مسئولیت مدنی و ضمان آن می داند.

۳- الگوریتم جرم انگاری در رفتار انفعالی

یکی از روش های سیستماتیک در خصوص مجرمانه بودن ترک فعل، احراز رابطه سببیت می باشد. فقها در تعریف سبب بیان داشته اند: سبب امری است که در نابودی و فوت امری دیگر، تاثیر جزالعله ای دارد؛ یعنی بذاته موجب فوت نمی گردد، لذا از این حیث با عنوان شرط، وجه اشتراک دارد. به دیگر بیان، برای تحقق یک فعل باید تمامی اجزا و علل حاکم باشند، در حالی که سبب جزئی از این علل تلقی می گردد. بنابراین نمی توان سبب را، علت نهایی و تامه فعل محسوب نمود (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۲۶/ص ۶۳). این گفته مورد مناقشه قرار می گیرد، زیرا اگر سبب با بهره گیری از تمامی علل، منجر به فوت گردد، از این عنوان خروج موضوعی پیدا کرده و تحت عنوان مباشرت مطرح می گردد. در صورتی که سبب باید طوری لحاظ شود، که با شکل گیری آن، نتیجه ممکن الحصول باشد (مهدوی راد، ۱۳۹۰، ص ۷۵). موید ما در خصوص این مناقشه، گفته برخی از فقهاست که اعلام داشته اند: «لکنه عله تامه و لا جزا اخیرا من العله التامه» (حرعاملی، ۱۴۰۲، ج ۳/ص ۱۰۷).

با عنایت به نقطه نظرات گوناگون در این راستا، عده ای معتقدند که رفتار انفعالی یعنی ترک فعل، همانند رفتار فعال یعنی فعل، ارادی است. بنابراین سکون و بی حرکتی در یک اوضاع و شرایط یک عملکرد ارادی تلقی می گردد (کلارکسون، ۱۳۹۵، ص ۷۷). ترک فعل مادر نسبت به شیر دادن به فرزند خود، به عنوان

یک فعل مثبت یعنی غفلت و گرسنگی دادن مطرح می‌شود (فلچر، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷). از همین رو رفتار سلبی در هر شکل خود، بی شک وجود و ماهیتی دارد و اراده یکی از عناصر امتناع می‌باشد (نجیب حسنی، ۱۳۸۵، ص ۴۸). برخی دیگر معتقدند که در برقراری رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه، نباید اسیر علیت شد، بلکه باید نگاه عرفی را معیار قرار داد. برای نمونه عرف مردم بین کسی که با انجام یک فعل موجب مرگ دیگری شده، با کسی که با عدم انجام کاری که باید انجام می‌داده و نداده، تفاوتی قائل نمی‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸، ص ۵۴). گروهی دیگر بر این باورند که رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه، رکن روانی جرم است. موید این گفته نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه است که بیان می‌دارد: همان گونه که قتل در اثر ارتکاب فعل مانند جرح تحقق می‌یابد، ممکن است در اثر ترک فعل نیز محقق شود. هرگاه کسی مطابق با مقررات از نجات غرق امتناع ورزد و موجب مرگ آن شخص بشود، ترک فعل او مشمول ماده ۲ قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین است (اداره حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۷۵، ش ۱۰۹۸/ص ۷).

با عنایت به مباحث فوق، تارک فعل نقش موثری در ایجاد ضرر، یعنی تفویت زمان غیر داشته است. اما نکته مهم این می‌باشد، که نمی‌توان ادعا کرد اگر ترک فعل مسئول نبود، قطعاً و بنفسه هیچ ضرری متوجه غیر نمی‌شد، چرا که ممکن است عواملی دیگر در این موضوع دخیل بوده باشند. در صورتی که از عنوان سبب برخلاف این گفته استشمام می‌شود، زیرا طبق گفته برخی، سببی که مسئولیت و ضمان آوری را به دنبال دارد، فعلی است که توقع تلف در آن وجود دارد، هرچند به نحو شانی نباشد» (رشتی گیلانی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۳). در رفع این تعارض باید گفت، در ارتباط سببی میان تارک فعل و تفویت زمان، آنچه برای ما ملاک می‌باشد، از دست رفتن وقت در زمان خودش است و کاری به این نداریم، که آیا منتهی به ضرر نهایی می‌شود یا خیر. به هرحال آنچه مهم است این می‌باشد، که زیان زننده در همان لحظه تفویت زمان، موجب ضرر به دیگری شده است. پاسخ دیگر به این مساله این می‌باشد، درست است که شاید ترک فعل فرد تاثیر تام و کاملی در ضرر نهایی نداشته باشد، اما می‌توانیم بگوییم، که با بررسی میزان دخالت ترک فعل فاعل متناسب با میزان و درصد تاثیر و سببیت خود، در ایجاد ضرر نهایی نیز نقش خواهد داشت. به عبارتی در صورتی که کارمند قوه قضائیه با ترک رعایت مسائل بهداشتی موجب مبتلا شدن ارباب رجوع به بیماری شود و با تقصیر خود در زمانی که شخص می‌توانسته ۸۰ درصد در پرونده اش به موفقیت برسد، این ۸۰ درصد را به صفر درصد برساند، هرچند مشخصاً معلوم نخواهد بود که عدم موفقیت او در پرونده قضائیش از ترک فعل کارمند نشأت گرفته، اما به اندازه ۸۰ درصد به وضوح رابطه سببیت وجود دارد. لذا در هنگامی که ما کاهش ۸۰ درصد را ضرر و زیان تلقی می‌کنیم، پس بی شک در همین مقدار رابطه سببیت مسلم و محرز است هرچند که باید

زمان از دست رفته که در اینجا ۸۰ درصد است مشخص و قطعی باشد، چرا که در غیر این صورت در تحقق ضرر و رابطه سببیت تردید وجود دارد. همچنین طبق نظریه مشورتی شماره ۱۶۵۲/۷ مستفاد از مواد ۲۱۲، ۲۱۵ و ۳۱۵ ق.م.ا، در مواقعی که سبب و افراد متعددی در ایراد ضرب نقش داشته باشند، و میزان جرح وارده و همچنین نوع آن از جانب مرتکبین مشخص نباشد، دیه به طور تساوی میان آنان تقسیم خواهد شد. با تنقیح مناط به این رای، می توان اذعان نمود که اگر تفویت زمان ناشی از ترک فعل چند مسئول باشد، و نتوان مشارکت هریک از آن ها در سببیت را کشف نمود، همگی آن ها در مسئولیت و جبران خسارت برابر هستند. تارک فعل که منجر به تفویت زمان غیر می شود، به صور مختلفی می تواند زمینه ایجاد ضرر و فوت را فراهم آورد، که در ادامه خاطر نشان می سازیم.

۳-۱- ترک فعل مبتنی بر قصور و تقصیر

در متون فقهی و همچنین تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا، مبنای مسئولیت بر این اساس است، که شخص باید مرتکب یکی از مصادیق بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات دولتی گردد. و همراهی سببیت نیز در این زمینه، موجب فراهم شدن علل تامی می شود، که اصطلاحاً به آن مسئولیت مبتنی بر تقصیر می گویند (احمدپور، ۱۳۹۱، ص ۳۳). ماده ۹۵۳ قانون مدنی اعلام می دارد: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». عده ای مستفاد از مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی، معتقدند تقصیر عبارت است از، انجام عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی)، و یا ترک عملی که شخص می بایست انجام دهد (تفریط) (قاسم زاده، ۱۳۸۵، ص ۳). مثلاً در خصوص موردی که وکیل در اثر تقصیر، به موقع دادخواست تجدید نظر نمی دهد و ترک فعل او موجب از دست رفتن زمان تجدید نظر خواهی توسط خواهان می شود. و اما قصور در فقه در مقابل تقصیر به کار رفته و تفاوت این دو در این است، که قصور خطایی است که از روی سهو سر می زند، اما تقصیر برگرفته از عنصر عمد پنهانی می باشد، که این گمان را ایجاد می کند، فرد در عمل ارتكابی قصدی داشته است (عباسی، ۱۳۷۹، ص ۶۷). هرچند قانون مجازات اسلامی از لحاظ ماهیتی، تمایزی برای این دو واژه قائل نشده است (رستمی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۷). حال با تنقیح مناط می توان این توضیح را در موضوع مورد بحث استنباط نمود، که ترک فعل افراد موجب ایجاد ضرر به غیر گشته و در واقع مسئول با ترک فعل ناشی از قصور یا تقصیر در انجام وظایف خود، موجبات تفویت زمان غیر را، فراهم آورده است.

۳-۲- ترک فعل مبتنی بر جهل

یکی از اصول مسلم در نظام قضایی این می باشد، که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. این موضوع در مواد ۲ و ۳ ق.م.بیان شده است. در مسئله مورد تحقیق ما نیز، ادعای فرد یا افراد در ترک وظایف خود، با عنایت به اینکه جهل بر او غلبه کرده، مورد پذیرش واقع نمی گردد، چرا که قوانین در قبال عالم و جاهل

مشترک است.

۳-۳- ترک فعل مبتنی بر تقدیم مهم بر اهم

به موجب قاعده ترجیح اهم بر مهم یا قانون اهمیت، هرگاه میان دو حکم اهم و مهم تراحم وجود داشته باشد، حکم اهم اخذ و مهم ترک می‌شود. حال اگر خلاف قاعده عمل شود به حکم عقل، تقصیر شده است (رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲). در موضوع مورد بحث اگر، فرد اهم را که انجام وظایف است، رها کند و به مهم که اشتغال به سایر وظایف اوست بپردازد، مهم را بر اهم ترجیح داده و موجب تفویت زمان غیر، شده است. که در این صورت، بر خلاف قاعده عقلی عمل نموده است، چرا که قاعده عقلی در تراحم امر بین مهم و اهم مسلماً اهم را اولویت می‌بخشد. لذا در صورتی که ناظم مدرسه به جای جلوگیری از ورود دانش آموزان مبتلا به کرونا به جلسه آزمون که وظیفه اهم اوست، به وظیفه مهمش که ایجاد نظم است مشغول شود، در صورت ابتلا سایر دانش آموزان به کرونا و در نتیجه فوت وقت دانش آموزان در جهت شرکت در آزمون شود، مسلماً این ضرر ناشی از ترک فعل ناظم خواهد بود و او به حکم عقل مقصر است. هرچند در تراحم بین وظایف اهم و مهم، وظیفه مهم خویش را برگزیده است.

۳-۴- ترک فعل مبتنی بر اهمال

طبق روال معمول، در هر جامعه و نظامی برای مسئولان و افراد آن جامعه وظایف و مقرراتی وضع گردیده، که قطعاً اهمال و بی‌مبالاتی در انجام این تکالیف، منجر به ضمانت اجرایی برعهده شخص می‌شود (پارساپور، ۱۳۸۵، ص ۸). فرض اهمال در این جایگاه، در مواردی است که قانون برای مسئول وظایفی را تدارک دیده است که ترک آن مسئولیت به وسیله اهمال، موجب تفویت زمان غیر گشته است. قاعده «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۸۳) به همین مسأله اشاره دارد. با این بیان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید. بنابراین از این رهیافت که اهمال در ترک وظایف که تبعاً منجر به از دست رفتن زمان غیر می‌شود، منجر به مسئولیت شخص می‌شود که مورد اشاره قاعده نیز هست، لذا نمی‌توان ترک این وظایف را بدون هیچ ضمانت اجرایی در نظر گرفت. مانند مسئول پذیرش بیمارستانی که به علت گسترش کرونا و به بهانه پر بودن تخت‌های بیمارستان از پذیرش سایر بیماران خاص امتناع ورزد، که ترک فعل او منجر به تفویت زمان بیماران در تحصیل صحت و سلامتی و بهبودی سریعتر می‌شود.

۳-۵- ترک فعل مبتنی بر ایجاد خطر

در مواردی است که تقصیر خوانده عبارت است از، کوتاهی در دادن اطلاعات لازم به زیان دیده (افشار، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). به دیگر بیان، اگر مسئول علی‌رغم پیگیری‌های فراوان ارباب رجوع، اطلاعات لازم را به او

واصل نکرده باشد، و شخص هر بار با بهانه ای از سوی مسئول در خصوص ترک وظایفش، مواجه گردد و در این راستا زمان او فوت شود، مصداقی از ایجاد خطر قلمداد می شود. زیرا مسئول می توانست در همان لحظه اول به او اعلام کند که با وجود شرایطی، کار شما انجام نخواهد شد. البته اعلام مسئول در این خصوص بر فرض ادله قانونی و داشتن بخش نامه، می باشد. در موردی که ترک فعل مسئول مبتنی بر ایجاد خطر باشد، باید قائل به ضمانت اجرا نسبت به تفویض زمان غیر شد.

بعد از بررسی صورت هایی که ممکن است فاعل با ترک فعل خود منجر به تفویض زمان دیگری شود، در پایان این مبحث باید بگوییم، که وقتی قاضی زمان تفویض شده را در نظر می گیرد، مفهوم سببیت را رها نمی کند، بلکه با وجود آن قانون احتمالات آن را کامل می کند. اگرچه مطابق قواعد حقوقی، وقوع ضرر در رابطه سببیت باید مسلم باشد، ولی قاضی در ارزیابی آنها آزاد است ولو ملزم به پیروی از سیستم و قانون خاصی از سببیت نیست. مضافاً که عده ای این نکته را با ارتکازی عقلایی نیز قابل اثبات می دانند (فتحی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

۴- واکاوی قواعد فقهی در مسئولیت مدنی ترک فعل مسئولان ناشی از «تفویض

زمان» غیر

با عنایت به آنچه گفته شد، در نوشتار حاضر به دنبال ایجاد مسئولیت مدنی و ضمان قهری برای تارک فعلی هستیم که به تفویض زمان غیر، مبادرت ورزیده است. قبل از ورود به ادله ذکر یک مقدمه ضروری به نظر می رسد و آن اینکه با مراجعه به رویه عقلا عالم این نکته مشاهده می شود که عقلا هنگامی که فرد اقدام به از بین بردن مال، نفوس، اعراض و کسب یک منفعت از دیگری می کند، زیان زننده را مسئول جبران خسارت می دانند و این مسئولیت یک امر تعبدی نیست تا شارع اجزاء و شرایط آن را بیان کرده باشد، بلکه یک امر کاملاً حقوقی و طبیعی است. همین اعتبار عقلا در مساله حاضر قابل اجراست؛ با این بیان که در بنای عقلا اصول کلی اسلام لحاظ می شود و عدم الردع شارع کافی است. بنابراین از آنجا که عقلا زمان و وقت افراد را جزء دارایی های انسان تلقی می کنند، سلب آن را توسط افراد محکوم به جبران خسارت می نمایند. به علاوه پذیرش مسئولیت مدنی برای تارک فعل، اقتضای نظم عمومی را در بر دارد. فلسفه بسیاری از قانون گذاری ها و قواعد نظیر: فراش، سوق، احسان، ید، اتلاف و ... جلوگیری از اختلال و هرج و مرج در امور اجتماعی است. بنابراین اگر افراد جامعه خود را در قبال زمان افراد مسئول بدانند، نظم بیشتری در جامعه حاکم خواهد بود. با این وجود می توان در راستای پذیرش مسئولیت مدنی برای تارک فعل که منجر به از دست رفتن زمان غیر شده، به ادله فقهی نیز اشاره نمود که در این قسمت از نوشتار به تحلیل و ارزیابی آن ها می پردازیم.

۴-۱- قاعده لاضرر

التزام به جبران ضرر یکی از موضوعات مهمی است، که در قانون و فقه مورد عنایت قرار گرفته است. این قاعده از قواعد مشهوری است، که در اکثر ابواب فقهی کاربرد داشته و بسیاری از قواعد، از این قاعده نشأت گرفته‌اند. در حقوق نیز با توجه به محوریت عدالت در تمامی زمینه‌ها، قاعده لاضرر مورد تأکید قرار گرفته است (بجنوردی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۸). برای نمونه مواد ۶۵، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹، ۵۹۱، ۵۹۴، ۶۰۰ و ۸۳۳، قانون مدنی حاکمیت قاعده لاضرر را بر سایر قواعد اعلام می‌دارند. ورود این قاعده به موضوع مورد بحث، یکی از کلیدی‌ترین استنادات در جهت پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از تفویض زمان افراد به وسیله تارک فعل، محسوب می‌شود. در قانون آیین دادرسی کیفری ضرر و زیان توأمان و در معنای لغوی آن استعمال شده است (آخوندی، ۱۳۶۸، ماده ۹-۱۰). ولی در قانون آیین دادرسی مدنی، از دست رفتن مال یا منافع، مصداقی از ضرر محسوب می‌گردند (شمس، ۱۳۸۰، ج ۱ / ماده ۷۲۸ ق.آ.د.م بیان می‌دارد: «ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شود». ملاک در جهت تشخیص دایره مفهومی و مصداقی ضرر، فهم عرفی است؛ زیرا ضرر در امور حکمی مصداقیت نداشته، بلکه در زمره امور موضوعی قرار می‌گیرد. لذا نظریه فقها و حقوقدانان، فراتر از امور موضوعی نافذ نمی‌باشد (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ص ۸۱). عده‌ای در تشخیص اینکه چه مصداقی در زمره ضرر قرار می‌گیرند، عرف را ملاک قرار می‌دهند (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۲۱). اگر چه در زمینه تفسیر قاعده لاضرر، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد ولی به طور کلی می‌توان ادعا کرد که، مفاد قاعده لاضرر متضمن این معناست که در روابط اجتماعی، اعمالی که منجر به ایجاد ضرر به افراد گردد، در نزد شارع قبیح بوده و به تأیید نمی‌رسد (محقق داماد، ۱۳۷۰، ص ۱۵۰).

واقعیت این است که در صدق ضرر بر اصل از دست رفتن زمان توسط ترک فعل افراد، نزد عرف رایج تردیدی وجود ندارد و به همین دلیل عامه مردم فوت زمان را ضرر می‌دانند. لذا هرگاه تفویض زمان عرفاً ضرر تلقی شود، و از طرفی ترک فعل افراد عنوانی مجرمانه بگیرد، قابل جبران و دارای مسولیت مدنی خواهد بود. به علاوه ترک فعل افراد را نمی‌توان با ملاک عرفی ثابت نمود. زیرا در این باره قانون حاکم است و با ادله حقوقی، مسئولیت متوجه تارک فعل خواهد بود. اما نکته حائز اهمیت این می‌باشد، که اگر این ترک فعل موجب تفویض زمان غیر بشود، با عنایت به اینکه در این راستا خلا قانونی وجود دارد، لذا باز هم عرف راه، ملاک عمل قرار می‌دهیم.

اما در خصوص اینکه قاعده لاضرر اثبات حکم می‌کند یا نفی حکم، دیدگاه اختلافی وجود دارد. عده‌ای از فقها معتقدند، حدیث لا ضرر بر نفی حکم دلالت دارد؛ زیرا عملی که ضرر رساننده انجام می‌دهد، اگر مورد حکم شرعی نباشد، دلیلی وجود ندارد که او را ضامن و مسئول جبران خسارت بدانیم (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۵ /

نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲/ص ۲۲۰). اما برخی این قاعده را در جهت اثبات حکم، جای گذاری کرده و اذعان داشته اند: از آنجا که ضرر به حکم عقل قبیح است، مرتکب باد در راستای رفع آن بکوشد. و مرتفع کردن ضرر، تنها با جبران خسارت تحقق می یابد (مراغی، بی تا، ص ۱۷). همچنین متبادر از قاعده، ضرر به حکم تکلیفی یعنی حرمت دلالت دارد، لذا تارک فعل که به تفویت زمان افراد اقدام ورزیده، برای عدم استمرار حرمت باید فوراً اقدام به جبران خسارت نماید. با توجه به این مطلب می توان نتیجه گرفت که قاعده لاضرر اثبات حکم می کند خواه از وجود حکمی تکلیفی یا وضعی. به عبارت دیگر، حکم مسئولیت مدنی و ضمان قهری ناشی از ترک فعل افراد و بالتبع تفویت زمان غیر، با تمسک به قاعده لاضرر اثبات می گردد. بدین صورت که چون ثابت می گردد، فرد با ترک فعل خود به فوت زمان دیگری اقدام کرده و از آن جایی که ترک فعل فرد سببیت در تفویت و اضرار به دیگری داشته، بیشتر خود را نمایان ساخته است، می توانیم با اثبات وجود ضرر طبق قاعده مذکور و همچنین روشن شدن سبب ایجاد ضرر، مسئولیت مدنی و جبران خسارت، که نتیجه قاعده لاضرر است را، برای تارک فعل اثبات نماییم. باید دقت کرد که این قاعده در شرایط حساس و اضطرار - مانند شرایط پاندمی کووید ۱۹- مصادیق متعددی پیدا می کند، از آن جهت که دامنه ی اضرار به غیر در این شرایط، گسترده تر می گردد.

۴-۲- قواعد اتلاف و تسبیب

قاعده اتلاف در فقه با عبارت «من ائلف مال الغیر فهو له ضامن» (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۳۷/ص ۳۷)، یاد شده است. مطابق این قاعده هر کس مال دیگری را از بین ببرد، در مجموع مسئول جبران خسارت وارده، به صاحب آن مال می باشد (بجنوردی، ۱۴۱۰، ج ۱/ص ۱۸). در بیان عقلی تسبیب گفته شده، که اگر مرتکب به طور غیر مستقیم اقدام به تلف مال دیگری کند، ضامن جبران خسارت وارده می باشد (ایروانی، ۱۴۲۲، ص ۱۶۰). به بیان دیگر در صورتی که شخص مالی را به طور مستقیم تلف نکند، ولی برای تلف سبب سازی و تمهید مقدمه کند، به کار او اتلاف به تسبیب گویند (کاتوزیان، ص ۱۳۸۶، ۱۹۵). در دیدگاه فقها و حقوقدانان میان اتلاف و تسبیب تفاوت هایی حاکم می باشد. اولاً؛ اتلاف در مواقعی است که شخص به طور مستقیم اقدام به تلف نمودن مال غیر می کند. اما در تسبیب شخص مقدمه و زمینه برای اتلاف مال دیگری را، فراهم می آورد، نه اینکه مستقیماً نقش در تلف داشته باشد (حلی، ۱۴۱۴، ج ۲/ص ۱۲۵). همین موضوع در احکام مرتبط با مسئولیت مدنی نیز رعایت شده، به این صورت که مواد ۳۲۸ تا ۳۳۰ در خصوص اتلاف و مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ در راستای تسبیب سخن گفته اند. ثانیاً؛ اتلاف موجب ضمان آوری است، اما تسبیب تنها در مواردی که عرف آن را تعدی و تجاوز قلمداد کند، مشمول ضمانت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷). در این مجال ذکر یک نکته ضروری به نظر می رسد و آن اینکه با بررسی در دکترین مسئولیت مدنی جدید آن چه به عنوان تفکیک

میان اتلاف و تسبیب به چشم می خورد، فعل زیان بار نیست بلکه رابطه سببیت است (hart and honore: ۱۹۸۵, p ۱۳۳). با این توضیح که ضرر و زیان چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم تفاوتی در احکام مسئولیت مدنی ایجاد نمی کند. چرا که پرداختن به مساله فعل زیان بار، پس از رابطه سببیت به میان خواهد آمد (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵). باتوجه به این تفاوت ها در موضوع بحث می توانیم بگوییم ترک فعل مسئول چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم اگر با احراز رابطه سببیت منجر به فوت زمان غیر گردد، ضمانت را به همراه خواهد داشت.

شایان ذکر است که به عقیده برخی از فقها قواعد اتلاف و تسبیب نسبت به ضمان مال موضوعیت دارد. در این راستا بیان می دارند: مستفاد از مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م که از اتلاف و تسبیب سخن به میان آورده اند، زمانی می توان حکم به جبران خسارت داد که موضوع مال باشد (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۲۶/ص ۱۵). عده ای نیز استناد به قاعده اتلاف را در غیر مال صحیح نمی دانند، چرا که قاعده بر از بین بردن شیء موجود دلالت می کند، و از جلوگیری نسبت به تلف چیزی، خروج موضوعی دارد (گیلانی نجفی، ۱۴۰۸، ص ۲۱). گروهی دیگر نیز اعلام می دارند: قاعده اتلاف از قواعدی است که مفاد آن سنت نمی باشد تا بتوان از آن اطلاق گیری کرد، لذا تنها در امور مسلم جاری می گردد. به همین علت است، که تلف کردن عمل شخص حر موجب ضمان نمی شود (خوئی، ۱۳۶۸، ص ۳۴).

اما در نقد دیدگاه های موجود می توان این گونه اذعان داشت که اولاً؛ اکثر فقهای شیعه و اهل سنت آن چه را که در ضمان متلفات معیار قرار داده اند، احترام اموال است (مراغی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۲ / کاسانی، بی تا، ج ۷/ص ۱۷) لذا این احترام اموال وقت آدمی را نیز دربر می گیرد. ثانیاً؛ قرائن و شواهدی وجود دارد که فقها به این قواعد در امور غیر مالی استناد جسته اند نظیر: تعمیم این قاعده به مواردی چون اتلاف ابدان. ثالثاً؛ برخی معتقدند که اتلاف یک قاعده عقلایی است یعنی آنچه نزد عقلا مال شمرده می شود، مشمول این قاعده خواهد بود و عقل، مطلق از بین بردن مال دیگری را به هر صورت باشد (عین یا منفعت)، مصداق اتلاف می داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱/ص ۲۱۶)، بنابراین زمان انسان که در زمره منافع جای دارد، مصداقی از مال به شمار می آید. رابعاً؛ ملاک در قاعده تسبیب، به غیر اختیاری بودن فعل مرتکب خلاصه نمی شود، بلکه همین که شخص نسبت به عمل خود بی تفاوت باشد، مصداقی از قاعده تلقی می گردد. به دیگر بیان، تسبیب موارد اختیاری و غیر اختیاری را در بر می گیرد (شوشتری، ۱۳۲۷، ص ۱۵۰). موید این سخن نیز گفته برخی از فقهاست که در ثبوت ضمان عرف را ملاک قرار داده و اقرار داشته، همین که عرف ضرر ناشی از اتلاف و تسبیب را متوجه فردی کند، ضمان مطرح خواهد شد. هر چند که تقصیر مسبب احراز نگردد. به علاوه در جهت اثبات اتلاف ناشی از تقصیر، مهمترین ملاک پس از قانون عرف می باشد، خصوصاً به لحاظ اینکه

قانون مدونی در راستای نظریه تفویت زمان وجود ندارد، ملاک عرفی داوری برای شناخت عنوان ضرر و از دست رفتن منافع محسوب می گردد (میرفتاح، ۱۴۱۷، ج ۲/ص ۳۵). بنابراین هر انسانی به لحاظ طبیعت انسانی خود، از حقوق و منافی برخوردار است که تضییع آن ها توسط دیگران موجب محروم ماندن شخص از آن حقوق و منافع می گردد. بر این اساس مسئولانی که با ترک فعل خود، موجب تلف وقت دیگری می شوند، با عنایت به قاعده اتلاف ضامن خواهند بود و این عمل آن ها می تواند در قالب اتلاف یعنی برخورد مستقیم در ترک فعل وظایف خود، و یا به واسطه سببیت باشد. زیرا ترک فعل آن ها موجب محروم ماندن دیگری از منفعتی به نام زمان شده است که مطابق با قاعده ضامن خواهد بود.

۴-۳- قاعده احترام مال مسلمان و عمل او

قاعده احترام بیان می دارد: تصرف در اموال غیر بدون اذن مالک، جایز نیست. این قاعده صراحتاً بر حرمت تصرف (حکم تکلیفی) دلالت دارد، اما در خصوص اینکه آیا قاعده ناظر به حکم وضعی می باشد یا خیر، اختلاف دیدگاه حاکم می باشد. به عقیده برخی، این قاعده در مواردی که عین مال باقی باشد، منصرف به حکم تکلیفی یعنی حرمت است (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۳/ص ۹۰ / اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۲/ص ۲۹۰). برخی در این راستا بیان می دارند، طبق قاعده مال بما هو مال موضوعیتی نداشته، بلکه حرمت تصرف در اموال غیر بدون اذن مالک، از این حیث که تضییع حقوق دیگری است مشمول ممنوعیت می گردد؛ بنابراین از قاعده حکم تکلیفی استخراج می شود (اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱/ص ۳۲۱). گروه مقابل بیان داشته اند، اگر شخص بدون اذن مالک در مال غیر تصرف کند، در صورت وجود مال باید عین و در صورت تلف، قیمت یا مثل را، بپردازد. لذا از این جهت قاعده هم حکم تکلیفی و هم وضعی را، در بر می گیرد (مروج جزائری، ۱۴۱۶، ج ۳/ص ۱۲۴ / انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳/ص ۲۰۴). به علاوه از مکتبی که اهانت به جنایتکار را مجاز نمی شمارد، انتظار نمی رود که حبس نمودن شخص حر را مشمول حکم وضعی نداند؛ لذا عمل انسان جز منافع محسوب می شود (مروج جزائری، ۱۴۱۶، ج ۱/ص ۶۷).

ممکن است در اینجا اشکالی مطرح شود مبنی بر اینکه زمان از دست رفته مال محسوب نمی شود تا بتوان به قاعده احترام تمسک کرد. در پاسخ می گوییم: طبق قاعده «حرمت مال المسلم کحرمة دمه»، از آنجا که خون هر انسانی ارزشمند و محترم تلقی می گردد، مال افراد نیز مشمول همین حکم می باشد. شایان ذکر است، در خصوص مالکیت های حقیقی و اعتباری باید گفت، هرچند فرد نسبت به دست خود مالکیت حقیقی دارد اما مالی که از آن کسب می کند به لحاظ مالکیت اعتباری مطرح می شود. بنابراین همچنانکه ضرر نسبت به آنچه در حیطة مالکیت حقیقی (اعضابدن) جای دارد مشمول ضمان آوری است، ضرر و زیان در مالکیت اعتباری (مال و زمان و فرصتی که در راه کسب مال صرف می شود) نیز، محکوم به جبران خسارت است. در

نتیجه همان طور که قاعده، خون و مال انسان را دارای ارزش تلقی کرده و ضرر به هر یک را موجب ایجاد مسئولیت می‌داند، زمان افراد نیز ارزشمند بوده؛ زیرا مال و وقت در ملاک متحد هستند. از طرفی فقیهان امامیه از ترک فعل در تفصیلات قاعده احترام بهره جسته اند (طوسی، بی‌تا، ج ۷/ص ۱۷۲ / حلی، ۱۴۱۸، ج ۳/ص ۶۵۳ / عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵/ص ۳۷۵). با این توضیح که قاعده احترام و لاضرر با یکدیگر تلاقی دارند، زیرا هر دو از جهت اعمال زیان بار همسانند. بنابراین هرگاه زمان افراد همانند آبرو و مال، مورد آسیب قرار گیرد و شخص قادر به پیشگیری بوده اما ترک فعل نماید و در نتیجه ترک عمل او موجب زیان یعنی فوت زمان گردد، آن فرد مسئولیت خواهد داشت. زیرا همان گونه که آبروی افراد مفاد قاعده بوده، زمان افراد نیز مفادی دیگر از قاعده احترام است و ترک فعل مسئولان که سبب از دست رفتن زمان غیر می‌شود، خسارت بوده و باید جبران گردد.

۴-۴- قاعده مؤاخذه غاصب

یکی از پایه‌های بنیادین برای این قاعده، تمایز میان ضمانت غاصب با دیگر ضمانت‌ها می‌باشد. از طرفداران این نظریه محقق خوئی می‌باشد و به مشهور هم نسبت داده شده که این قاعده را شدیدترین انواع ضمان می‌دانند (خوئی، بی‌تا، ص ۲۳۶). به این صورت که اگر مال تلف شود باید بالاترین قیمت را پرداخت کند. حتی ضامنان دیگر بنا به گفته بعضی مسئول منافع از دست رفته عین نمی‌باشند، ولی غاصب ضامن منافع نیز هست (محقق کرکی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۱). کسی به قاعده مورد استناد ما اشکال وارد نسازد، که این قاعده فقط به غصب مال دلالت دارد و از موضوع ترک فعل مسئول و تاثیر آن بر فوت زمان خارج می‌باشد. چرا که غاصب یعنی مسئول، مالک را از منافع که زمان و وقت او می‌باشد، محروم ساخته است. در نتیجه از باب غصب، ضامن تفویت این منافع در حق غیر، می‌باشد. چنانچه قانون مدنی در مواد ۳۲ و ۳۳ به این موضوع اشاره دارد، که برگرداندن منافع از وظایف غاصب محسوب می‌شود. در تفسیر ماده ۳۱۱ ق.م. که غاصب را مکلف به پرداخت مثل یا قیمت کرده است این دیدگاه وجود دارد، که غاصب نباید از عمل غاصبانه نفعی به دست آورد. در نتیجه اگر نماءات، سودها و منافی برای غاصب حاصل شده باشد باید به صورت کامل به مالک برگرداند و این تنها اجره المثل نیست که بازگردانده می‌شود (ساردوئی نسب، ۱۳۸۷، ص ۳۳). این نحوه سختگیری قانون گذار نشانگر این می‌باشد که همه سرمایه گذاری، تلاش و وقتی که صرف شده تا در جهت منافع غاصب قرار بگیرد، بی‌حاصل است. بنابراین خود قانون برای وقت افراد ارزش قائل است، زیرا مفهوم ماده این می‌باشد که در مساله حاضر وقت و تلاش غاصب چون در مال غیر بوده بی‌نتیجه است، پس اگر او از راه غصب اقدام به کار نمی‌کرد، زمان او دارای ارزش تلقی می‌شد.

در جهت وضوح بحث خاطر نشان می‌سازیم، طبق گفته برخی از فقها منافع مال همانند خود مال دارای

ارزش می باشد. بنابراین اگر شخصی اقدام به غصب حیوانی که در مالکیت غیر است کند، علاوه بر اینکه ضامن بازگرداندن حیوان یا قیمت آن می باشد، ضامن منافی که مالک در طول روز از آن سود می جسته نیز، خواهد بود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۳۸/ص ۱۶۶). حال اگر به جای حیوان، انسان آزاد را جایگزین کنیم، از آن جا که زمان افراد مانند سائر دارایی ها از منافع به شمار می رود، اگر کسی منجر به از دست رفتن این منافع شود، ضامن خواهد بود. بنابراین ترک فعل مسئولان که موجب تفویت زمان غیر می گردد، نوعی غصب محسوب می گردد که مطابق با قاعده مشمول ضمانت اجرا می شود.

۴-۵- قاعده عدالت

یکی از قواعد مهم برای استناد به موضوع مورد بررسی، قاعده عدالت می باشد. این قاعده با عناوینی چون، اصل تساوی، اصله التسویه، عدم جواز ترجیح بلا مرجح و اقتضای عدل و انصاف، ذکر شده است (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱/ص ۱۶۴ / علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۶/ص ۳۸۴ / صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۳۱/ص ۱۶۹). یکی از اصول بنیادی این می باشد که شناخت و پذیرش دین مبتنی بر دلیل و برهان است. و از آن جا که عدالت یکی از راه های اثبات دین است، لذا از این رهیافت که محوریت مستقیم در دین دارد، نمی تواند تعریف دقیقی داشته باشد. بنابراین چون در زمره مفاهیم عقلایی جای می گیرد، عرف می تواند به عنوان ملاکی در جهت تشخیص آن، معرفی گردد. علت اینکه در قاعده عدالت پای عقل را به میان می کشیم این است که به ملازمه، عقل نیز همانند شرع می تواند در جهت حکم ملاک بایی کند (اصغری، ۱۳۸۸، ص ۸). مطابق با این گفته عقل و ارتکاز هیچ انسانی نمی پذیرد که عدالت را مساوی با حق نداند و از همین رهیافت است که این قاعده را مقدم بر اصول دیگر قلمداد کرده اند (علی اکبریان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱).

اصل ۷۱ و ۷۸ متمم قانون اساسی بیان می دارند، محاکم که مأمور به اجرای عدالت می باشند باید طبق قانون حکم صادر کنند. به دیگر بیان حکم عادلانه حکمی است که موافق و مطابق با قانون باشد (صدرا، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). اصل ۱۵۶ و ۱۶۴ قانون اساسی نیز به استقلال قضایی که مسئول تحقق عدالت است، اشاره می کند. از این رو عدالت مبنای اساس قانون محسوب می گردد و تمامی قواعد، قوانین و احکام باید در راستای عدالت چینش شوند. با عنایت به اینکه در نظام حقوقی همه چیز باید بر مبنای عدالت باشد و به علاوه عقل انسانی طبق این مفهوم حکم می کند، مساله ضمانت در نظریه حاضر روشن می گردد. بر این اساس مسئولانی که با ترک فعل خود موجب فوت وقت مردم می شوند، از نظر عقل ضرر و زیانی را متوجه غیر ساخته اند و اگر قائل به عدم مسئولیت در این خصوص باشیم به خلاف عدالت حکم کرده ایم؛ زیرا عدالت اقتضا دارد که متعلقات انسانی نباید مورد تجاوز دیگران قرار گیرند و از آن جا که زمان افراد جزو متعلقات با ارزش آن هاست، در صورتی که مورد تفویت دیگری قرار گیرد، ضمانت را ثابت می نماید.

۵- نظریه «تفویت زمان» در حقوق ایران و تصادم آن با ترک فعل

با عنایت به اینکه نظریه تفویت زمان ناشی از ترک فعل مسئولان، در مباحث فقهی یافت نمی‌شود و ما در خلال بهره‌گیری از قواعد فقهی آن را مورد تأیید قرار دادیم، بعید به نظر می‌رسد که پذیرش این نظریه در حقوق ایران مورد خدشه قرار گیرد. هر چند در قانون و سایر قوانین مرتبط نصی صریح در پذیرش مسئولیت مدنی تفویت زمان به چشم نمی‌خورد، با این وجود در حقوق سایر کشورها نظیر حقوق فرانسه (ژردن، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱)، نظام کامن‌لا (Sturgess, ۲۰۰۵, p ۲۹)، حقوق لوئیزیانا (D. Carrey, ۱۹۸۷, p ۳۴۵) و حقوق کشورهای عربی (سلیمان، ۱۹۹۲، ج ۱/ص ۱۴۶)، این نظریه مورد پذیرش واقع شده است. اما با این حال مصادیقی می‌توان در حقوق ایران یافت، که این مسئولیت فوت زمان را در بطن خود به همراه دارند، از آن جمله می‌توان به عقد مضاربه و یا عقد جعاله (مستفاد از ماده ۵۶۵ ق.م.ا اشاره نمود. با این توضیح که اگر مالک قبل از تحصیل سود عامل، عقد را فسخ نماید و موقعیت تحصیل سود را از بین ببرد و یا فسخ جاعل که زمان و فرصت دستیابی عامل را به هدف مطلوب از بین می‌برد، مسئول جبران خسارت هستند و میزان ارزش کاری که از دست رفته معیار سنجش ضرر ناشی از این اقدام است (بحرانی، ۱۴۱۹، ص ۲۵۰ / نجفی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۹). ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی نیز، در خصوص نفقه بگیران اعلام می‌دارد، که شخص می‌تواند خسارت ناشی از موقعیت از دست رفته خود را بگیرد، زیرا ممکن است با مرگ متوفی و یا دلایل دیگری، حق مدعی از بین برود. به این علت قانون آن را قابل مطالبه می‌داند. البته مخالفینی نیز در پذیرش این مسئولیت مدنی وجود دارد و در توجیه این مصادیق نیز، بیانی دارند (نجفی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۹) اما در نفس اینکه تفویت زمان چه با فعل و چه با ترک فعل ضرر می‌باشد اختلافی وجود ندارد و اختلاف تنها در قابلیت جبران بودن زیان از جهت شرایط مسئولیت است. در همین راستا عده‌ای معتقدند اگر از دست رفتن یک موقعیت در نظر عرف از ارزش خاصی دارا باشد، در این صورت ضرری به وقوع پیوسته که باید جبران شود. به علاوه ممکن است فوت یک موقعیت ضرر معنوی نیز به دنبال داشته باشد که در این زمینه هم مسئولیت مدنی حاکم خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۲). بنابراین چنانچه یک موقعیت تنها در زمانی خاص مد نظر باشد و توسط دیگری از دست رود، بحث ضمانت مطرح خواهد شد.

مصدق دیگری را که می‌توان در ذیل بحث مورد اشاره قرار داد، تاخیر در مدیریت بحران و آثار ویران‌گر اقتصادی و اجتماعی است. ماده ۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور اعلام می‌دارد: مدیریت بحران شامل چهار مرحله است: پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی. بنابراین اگر این سازمان در هر یک از این مراحل، وظایف قانونی خود را ترک کند، عملاً اقدام به تفویت زمان نموده است. با این بیان که اگر در مرحله پیشگیری، اقداماتی که با هدف جلوگیری از وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیانبار است را، انجام ندهد و

یا در مرحله آمادگی، توانایی جامعه را در انجام مراحل مدیریتی افزایش ندهد، همچنین در مراحل بعدی، اقدامات لازمه از قبیل نجات جان و مال انسان ها، تامین رفاه نسبی، اطلاع رسانی، هشدار، نجات و امداد، مهار آتش، سوخت رسانی، فوریت های پزشکی و برگشت به حالت عادی راه اعمال نکند، خساراتی جبران ناپذیر به بار خواهد آمد. زیرا هر یک از مسئولیت های نام برده در این قانون، باید در زمان و وقت خود عملی بشوند. لذا ترک فعل مسئولان در راستای موارد مذکور، موجب تفویض زمان غیر، می گردد.

به علاوه تاخیر بلا دلیل قانونی و موجه در صدور مجوز کسب و کار، یکی دیگر از مصادیق تفویض زمان، ناشی از ترک فعل مسئولان قلمداد می گردد. در این راستا ماده ۷ اصلاحی قانون اجرایی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیان می دارد: به منظور تسهیل سرمایه گذاری در ایران، مراجع صدور مجوز های کسب و کار، موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوز های کسب و کار را، به نحوی ساده کنند، که هر متقاضی مجوز کسب و کار در صورت ارائه مدرک مصرح در پایگاه اطلاع رسانی مجوز های کسب و کار، بتوانند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کنند. تبصره یک این ماده به متقاضی اجازه داده، تا در صورت تاخیر در صدور مجوز کسب و کار، در سامانه شورای ملی رقابت شکایت خود را ثبت کند. با عنایت به مواد یاد شده، تاخیر در صدور مجوز کسب و کار مصدقاً از ترک فعل و وظایف مسئولان می باشد، که موجب از دست رفتن زمان و موقعیت اشتغال، در برهه زمانی مد نظر افراد جامعه می گردد.

دستور العمل شماره ۹۰۰۰/۱۲۳۰۴۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ در رابطه با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن، بیان می دارد: در اجرای ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۵۹۸ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی و دستور العمل دادستان ها در سراسر کشور مکلف اند به منظور صیانت از حقوق عامه، این تدابیر را در جهت حفظ حقوق عمومی و مقابله با ترک وظایف قانونی اتخاذ کنند:

الف) در صورتی که ترک وظایف قانونی مدیران، مسئولان و روسای دستگاه های اجرایی و اهمال در انجام وظیفه و عدم نظارت بر کارکنان موجب تضییع حقوق عمومی یا ایراد صدمه یا خسارت بر اموال عمومی یا منابع بیت المال و یا حقوق اساسی ملت مانند، حق سلامت یا امنیت و دیگر حقوق مطرح در قانون اساسی و یا هرچه مضر به حال مردم باشد، در اسرع وقت نسبت به تعقیب موضوع، اقدامات لازم را به عمل آورند.

ب) در مواردی که تصمیمات اداری مدیران و مسئولان یا ترک فعل یا تاخیر ناموجه آنان در اقداماتشان، به گونه ای باشد که زمینه ساز وقوع خسارت به اموال عمومی یا سلامت شهروندان شود، ضمن اعلام مراتب به سازمان، با انجام اقدامات پیشگیرانه از حقوق عامه مردم صیانت کنند.

دیوان عدالت اداری بر حسب این دستور العمل، اقداماتی را معمول می دارد: در اجرای ماده ۱۲۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ و در راستای انجام وظایف قانونی خود در بررسی

انطباق تصمیمات و اقدامات دستگاه‌های اجرایی، مسئولیت ناشی از ترک فعل و تخلف در اثر عدم انجام وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی را مد نظر قرار داده و چنانچه ترک فعل مدیران دستگاه‌های اجرایی متضمن تضییع حقوق عمومی یا خسارت به اموال و منافع عمومی باشد، حسب مورد مراتب را جهت اقدام قانونی به دادستان کل کشور یا دیوان محاسبات اعلام کند. در دستور العمل فوق نیز، هر چند از تفویت زمان به صراحت سخنی به میان نیآورده است، اما ذکر قیودی مانند- هرچه مضر به حال مردم باشد- فراهم آوردن وقوع خسارت- تضییع حقوق مردم، به روشنی بیان می‌دارد، که آنچه ملاک است حفظ حقوق عامه می‌باشد. و از آنجا که زمان و وقت مردم مانند سایر متعلقاتشان دارای ارزش می‌باشد و جزء حقوق آنان تلقی می‌گردد، لذا از این مواد مسئولیت مدنی برای تارک فعل، که نتیجه‌ی آن تفویت زمان غیر است، استنباط می‌گردد. در واقع می‌توانیم بگوییم که میان تفویت زمان و ورود ضرر یک رابطه علی و معلولی خواهد بود. به این ترتیب با پذیرش مسولیت مدنی و ضمان قهری تفویت زمان می‌توانیم عدالت غایی قانون را در این موضوع به واقعیت نزدیکتر بدانیم.

۶- مسئولیت سنجی تفویت زمان در حقوق ایران و فرانسه

با توجه به اینکه تفویت زمان غیر توسط ترک فعل مسئولان با در نظر داشت رابطه سببیت و ایراد ضرر، فاعل را با ضمانت و مسئولیت مواجه می‌کند، بررسی نوع مسئولیت و نظریه حقوق ایران، همچنین نگاهی به حقوق سایر کشورها ضروری به نظر می‌رسد. ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «هر کس مسئول خسارتی است که نه تنها بر اثر ارتکاب تقصیر، بلکه به علت سهل انگاری و بی احتیاطی خود آن را ایجاد نموده، می‌باشد». از طرفی نزدیک به این مضمون در ماده ۳۲۸ قانون مدنی ایران ذکر شده که اشاره می‌کند: «هر کسی مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد. اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد. اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است». در قانون فرانسه از لفظ بی احتیاطی و بی مبالاتی استفاده شده و در قانون ایران به لفظ عمد و غیر عمد اشاره شده است که به نظر می‌رسد بیان قانون فرانسه رساتر باشد؛ زیرا تشخیص عمد از غیر عمد منوط به شرط قصد است و احراز قصد درونی و باطنی افراد برای قاضی دشوار می‌باشد. با این وجود می‌توان این موضوع را با بررسی انواع مسئولیت یعنی نظریه تقصیر، اماره تقصیر و تئوری خطر، در قانون ایران حل نمود.

با استعانت از مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی و ماده یک قانون مسئولیت مدنی که بیانگر نظریه تقصیر هستند، هر فردی که به حقوق دیگری تجاوز کند مقصر شناخته شده و باید زیان وارده را جبران نماید. مطابق با این نظریه، زیان دیده زمانی می‌تواند مطالبه جبران خسارت نماید که علاوه بر اثبات اینکه ضرر با عمل غیر

متوجه او شده، اینکه در اثر تقصیر دیگری خسارت دیده را نیز، اثبات نماید (امامی، ۱۳۷۸، ص ۵۸۶). اماره تقصیر نیز مانند نظریه تقصیر، اصل را بر تقصیر زیان زنده می داند، با این تفاوت که در نظریه تقصیر زیان دیده باید تقصیر غیر را در ایراد ضرر به خود اثبات نماید، در حالی که در اماره تقصیر این وظیفه از روی دوش زیان دیده برداشته شده است. ثمره این وجه تمایز این می باشد که در موارد نظریه تقصیر گاه پیش می آید که زیان دیده نمی تواند اثبات نماید که خسارت به عمل آمده تقصیر زیان زنده بوده و در نتیجه موجب جبران نشدن ضرر می گردد، اما در اماره تقصیر زیان دیده تنها ادعا می کند که مورد خسارت قرار گرفته و زیان زنده خودش باید اثبات نماید که تقصیر نکرده است، لذا با این گفته راه برای فرار از جبران خسارت به حداقل می رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰). تئوری خطر نیز در فقه با عنوان «من له الغنم فعلیه الغرم» مطرح شده است، بیانگر این موضوع می باشد که هرکس در راستای اعمال سودبخشانه گام بردارد، باید ضررهای احتمالی ناشی از آن را نیز، متحمل شود. در حقیقت بین منفعت و ضرری که متوجه شخص می گردد، نوعی ملازمه وجود دارد. به دیگر بیان، ملاک مسئولیت در این نظریه ایجاد کننده خطر است نه ارتکاب تقصیر؛ یعنی هر شخصی که با فعالیت خود موجب به وجود آمدن خطر برای غیر شود، باید جبران خسارت نماید. با این توضیح روشن می گردد که تقصیر، اماره تقصیر و حتی تئوری خطر در قانون ایران، همان بیانی است که مورد اشاره قانون مدنی فرانسه می باشد. بنابراین ترک فعل مسئولان چه با تقصیر و چه با بی احتیاطی و بی مبالاتی، اگر موجب فوت زمان غیر شود، مسئولیت را خواهد بود. ناگفته نماند که پذیرش نظریه خطر نسبت به موضوع حاضر، در تامین جبران وارد شده کارآمدتر خواهد بود؛ زیرا اگر نوع مسئولیت فاعل را تقصیر قلمداد کنیم، زیان زنده باید علاوه بر اثبات اصل انتساب، تقصیر زیان دیده را نیز ثابت کند و این منجر به جبران نشدن ضررهای احتمالی می شود، اما وقتی نظریه خطر به میان می آید، صرفاً همین فعالیت و اقدامی که موجب فوت زمان می گردد مسئولیت را بوده و جبران ضرر را آسانتر می کند. در نتیجه با توجه به توضیحات در فقره های قبل که بیان نمودیم ترک فعل مسئولان مشمول ضرر معنوی است و میان ترک فعل با فوت زمان رابطه سببیت حاکم است، در جایی که این ترک فعل موجب از دست رفت وقت مردم شود، چه به نحو تقصیر و یا غیره محکوم به مسئولیت خواهد بود.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه تا کنون بیان شد در فقه اسلامی فقها متکفل استنباط احکام کلی شریعت اند و شارع به طور کلی در بیانات خود از مفهوم لاضرر استفاده کرده و فهم مسائل جزئی را به عهده عرف گذاشته است و عرف نفس تفویض زمان توسط ترک فعل مسئولان را یک نوع ضرر می داند؛ زیرا زمان جزء منافع ارزشمند انسان است و چه بسا ارزش آن از ارزش مال بیشتر باشد. به همین دلیل ادله ای که ضمان مال را بیان می

کنند، به طریق اولی ضمان از دست رفتن زمان را نیز در بر می‌گیرند. در قانون ایران نیز عنصری که موجب احراز ضرر می‌گردد، رابطه سببیت است؛ لذا اگر میان رفتار انفعالی یعنی ترک فعل مسئولان و فوت زمان رابطه سببیت وجود داشته باشد، ضمانت و مسئولیت تارک فعل به اثبات می‌رسد. به بیان بهتر هدف قوانین مسئولیت مدنی جبران ضرر است و با عنایت به ماده ۳۳۴ و ۹۵۲ قانون مدنی، انجام ندادن تکالیف قانونی در حوزه مدیریتی و ماموریتی، مصداقی از قصور و تفریط می‌باشد؛ بنابراین ترک فعل اگر موجب ایراد ضرر به غیر شود، باید جبران گردد. با مراجعه به زندگی خردمندان و عقلای عالم نیز، همین نکته نمایان می‌شود که آن‌ها هر گونه ایراد ضرر و از بین بردن مال، جان، آبرو، اعراض و منافع مردم را محکوم به جبران خسارت می‌نمایند. و از آنجا سیره عقلا دارای اعتباری می‌باشد و عدم الردع شارع برای تأیید آن کافی است می‌تواند به عنوان دلیلی بر نظریه ضمان تفویض زمان اقامه گردد. با این بیان که عقلا وقت و زمان افراد را مانند دارایی‌های انسان ارزشمند می‌دانند و از این رهیافت که عدم جبران خسارت موجب اختلال و هرج و مرج در نظم عمومی می‌شود، تارک فعل که موجب تفویض زمان غیر شده را، به مسئولیت مدنی محکوم می‌کنند. قواعد فقهی نظیر قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» برگرفته از مواد ۶۵، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹، ۵۹۱، ۵۹۴، ۶۰۰ و ۸۳۳ قانون مدنی، قواعد «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» و تسبیب که موضوع مواد ۳۲۸ تا ۳۳۰ (در خصوص اتلاف) و مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ (در راستای تسبیب) است، قاعده «حرمت مال المسلم کحرمة الدمه»، قاعده مواخذه غاصب و قاعده عدالت موضوع اصل ۷۱ و ۷۸ متمم قانون اساسی و اصل ۱۵۶ و ۱۶۴ قانون اساسی، به خوبی بیانگر مسئولیت از دست رفتن زمان توسط ترک فعل مسئولان می‌باشند. در قانون ایران صراحتاً از نظریه تفویض زمان غیر، سخنی به میان نیامده است. اما ماده ۵۶۵ قانون مدنی در عقود مضاربه و جعاله، ماده ۲ قانون تشکیلات سازمان مدیریت بحران کشور، ماده ۷ اصلاحی قانون اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصادیقی از ترک فعل مسئولان و بالتبع فوت زمان، به شمار می‌روند. مستفاد از ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۵۹۸ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۲۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در صورتی که ترک وظایف قانونی مدیران، مسئولان و روسای دستگاه‌های اجرایی موجب تضییع حقوق عمومی یا ایراد صدمه یا خسارت بر اموال عمومی و یا حقوق اساسی ملت و یا هرچه مضر به حال مردم باشد، در اسرع وقت نسبت به تعقیب موضوع، اقدامات لازم را به عمل آورند. از آنجا که ملاک حفظ حقوق عامه می‌باشد و زمان افراد جزء حقوق آنان تلقی می‌گردد، لذا از این مواد مسئولیت مدنی برای تارک فعل استنباط می‌گردد. نوع مسئولیت تفویض زمان برگرفته از ترک فعل مسئولان در بیان ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه هرگونه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است که مصداقی از جبران خسارت می‌باشد. ماده ۳۲۸ قانون مدنی ایران نیز، نزدیکترین ماده به قانون فرانسه است، اما به دلیل دشواری در فهم

واژه عمد و قصد درونی افراد، می توان مسئولیت تارک فعل را ذیل نظریه تقصیر، اماره تقصیر و تئوری خطر، توجیه نمود.

فهرست منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس، (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- احمدپور، ثریا، (۱۳۹۱)، فرض تقصیر در مسولیت مدنی، پایان نامه حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا.
- افشار، حسن، (۱۳۷۰)، کلیات حقوق تطبیقی، تهران: دانشگاه تهران.
- انزابی نژاد، رضا، (۱۳۸۰)، الرائد، ج ۱، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- امامی، سید حسن، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- آخوندی، محمود، (۱۳۶۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۷۷)، نظریه خسارت، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.
- ایروانی، باقر، (۱۴۲۲)، دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، جزء ثانی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- انصاری، مرتضی بی محمد امین، (۱۴۲۵)، مکاسب، ج ۳، قم: کنگره شیخ انصاری.
- بحرانی، شیخ یوسف، (۱۴۱۹)، الحدائق الناظره، ج ۲۱، قم: موسسه نشر اسلامی.
- بجنوردی، حسن، (۱۴۱۰)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- تویسرکانی، محمد نبی بن احمد، (۱۳۲۱)، لثالی الاخبار، ج ۱، قم، مکتبه العلامه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۴)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران: انتشارات راستا.
- ، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ، (۱۳۸۸)، دائره المعارف حقوق اسلامی، تهران: گنج دانش.
- خوئی، ابوالقاسم، (بی تا)، المستند فی شرح العروه الوثقی، تقریر مرتضی بروجردی، قم: بی نا.
- ، (۱۳۶۸)، مصباح الفقاهه، مقدر، قم: انتشارات وجدانی.
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۷)، البیع، چاپ چهارم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- الدكتور سلیمان مرضیه، (۱۹۹۲)، الوافی فی الشرح القانون المدنی المصری، فی الالتزامات، فی فعل المضار، ج ۱، مصر: قاهره.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.
- رشتی گیلانی، میرزا حبیب الله، (۱۴۰۸)، فقه الامامیه، قم: مکتبه الداوری.
- رنه داوید، نظام های بزرگ حقوقی معاصر، (۱۳۸۱)، ترجمه دکتر صفایی و دیگران، انتشارات جهاد

دانشگاهی: تهران.

- ژردن، پاریس، (۱۳۸۵)، *اصول مسولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران: نشر میزان.
- سنهوری، عبدالرزاق، (۱۳۸۸)، *الوسیط فی الشرح القانون المدنی*، ج ۱، بیروت: دارالاحیا التراث العربی.
- شوشتری، محمد حسن، (۱۴۲۷)، *دیدگاه های نو در حقوق*، تهران: نشر میزان.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۰)، *آیین دادرسی مدنی*، جلد ۱، تهران: نشر میزان.
- صانعی دره بیدی، منوچهر و جمیل صلیبا، (۱۳۶۶)، *فرهنگ فلسفی*، چاپ اول، ج ۱، تهران: انتشارات حکمت.

- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، قم: مکتبه المرتضویه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ، (۱۴۱۴)، *تذکره الفقها*، ج ۲، قم: موسسه آل البيت.
- ، (۱۴۱۸)، *قواعد الاحکام*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- عباسی، محمود، (۱۳۷۹)، *مجموعه مقالات حقوق پزشکی*، تهران: انتشارات حقوقی.
- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳)، *مسالك الافهام*، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- العوجی، مصطفی، (۱۹۹۵)، *قانون مدنی*، ج ۲، بیروت: موسسه بحسون.
- فیض، علیرضا، (۱۳۸۴)، *عرف عقلا، برهان و عرفا*، نشریه دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- فلچر، جرج پی، (۱۳۹۵)، *مفاهیم بنیادی حقوق کیفری*، ترجمه سید مهدی سید زاده ثانی، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- قاسم زاده، سید مرتضی، (بی تا)، *الزام ها و مسؤلیت مدنی خارج قرارداد*، ج ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ، (۱۳۸۵)، *مبانی مسؤلیت مدنی*، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، *الزام های خارج قرارداد*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ، (۱۳۸۶)، *مسؤلیت مدنی خارج از قرارداد*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ، (۱۳۸۶)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامیه.
- کاسانی، علاء الدین، (بی تا)، *بدائع الصنایع*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کلارکسون، سی.ام.وی، (۱۳۹۵)، *تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسیت میر محمد صادقی، چاپ دوم، تهران: جهاد جنگل.
- گیلانی نجفی، حبیب الله، (۱۴۰۸)، *فقه الامامیه*، قم: مکتب الداوری.

- معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ معین، تهران، فرهنگ نما: ماده زمان.
 مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
 - محقق ثانی، زین العابدین بن علی، (۱۳۸۲)، شرح المعه، کتاب الغصب، قم: دارالعلم.
 - مازو شاباس، (بی تا)، دروس حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات، ش ۳۹۷.
 - محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۰)، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ سوم، تهران: اندیشه های نو در علوم اسلامی.

- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم: دارالعلم.
 - مراغی، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷)، عناوین، چاپ سنگی، تبریز، بی نا.

 - (۱۴۱۷)، عناوین الاصول، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی
 - موسوی خمینی، سیدروح الله، (۱۳۷۲)، الرسائل، ج ۱، قم: انتشارات دارالعلم.
 - مروج جزائری، سیدمحمد جعفر، (۱۴۱۶)، هدی الطالب فی شرح المکاسب، ج ۳ و ۱، قم: موسسه دارالکتاب.

- محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۱)، جامع المقاصد، قم: موسسه آل بیت.
 - محقق حلی، (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، چاپ ششم، قم: موسسه المطبوعات الدینییه.
 - میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۸)، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ بیست و هفتم، تهران: میزان.
 - نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴/۱۴۱۲)، جواهر الکلام، ج ۲۶: دارالکتب الاسلامی.
 - نراقی، ملا احمد، (۱۳۷۵)، عوائد الايام، بیروت: نشر الاعلام الاسلام.
 - نجیب حسنی، محمود، (۱۳۸۵)، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه سید علی عباس نیازی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- هایدگر، مارتین، (۱۳۸۳)، مفهوم زمان و چند اثر دیگر، ترجمه علی عبداللهی، تهران: نشر مرکز.

فهرست مقالات

- امینی، منصور، ناطق نوری، (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی از دست رفتن فرصت، پژوهش حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۳.
 - امینیان مدرس، محمد، (۱۳۸۲)، توضیحاتی پیرامون تفویت منافع و عدم النفع، مجله حقوقی دادگستری، سال ۶۸، ش ۴۳.

- اصغری، سید محمد، (۱۳۸۸)، عدالت به مثابه قاعده فقهی - حقوقی، فصلنامه حقوق، دوره ۹۳، ش ۱.
 - پارساپور، محمد باقر، (۱۳۸۵)، خطای پزشک و تاثیر آن در مسولیت پزشکان، فصلنامه اخلاق دانشگاه

علوم پزشکی تهران، ش ۱.

- رضوانی، علی، (۱۳۹۲)، شاخص‌های تقدیم‌ا هم بر مهم در تراهم‌ها، دانشگاه معارف قم، ش ۱.
- رستمی، هادی، (۱۳۹۴)، پیامد‌های کیفی ناشی از قصور پزشکی منجر به فوت و راه کارهای قانونی آن، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۱، ش ۳، ص ۲۳۷.
- ساردوئی نسب، محمد، (۱۳۸۷)، مبانی نظری مسئولیت مدنی متصرف در مال غیر، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۷۹.
- صدرا، علیرضا، (۱۳۸۸)، عدالت متعالی، فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱.
- علی اکبریان، حسنعلی، (۱۳۸۷)، مقایسه قاعده عدالت با قاعده لاضرر، فصلنامه کاوشی نو در فقه، دوره ۱۵، ش ۵۶.
- فتحی، سیدمحمد باقر، (۱۳۸۷)، بررسی قاعده تسبیب، دوره ۶، ش ۱۹، ۱۳۸۷.
- کاظمی، محمود، (۱۳۸۰)، نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۰، ش ۵۳.
- مهدوی راد، وحید، (۱۳۹۰)، نقش عرف در تعیین قلمرو مصادیق تسبیب از منظر فقه، ش ۱۶۵.

English sources

- Sturgess, robert, (۲۰۰۵), the loss of chance doctrine of damages for breach of contract, p۲۹
- D.carrey, hastigs, (۱۹۸۷), v.baton, op, cit, p۳۴۵
- Heever Pat Van Den, (۲۲۰۷), The Application Of The Doctrine Of A Loss Of A Chance To Recover In Medical Law; Pretoria University Law Press.
- Fischer ,David A, (۲۰۰۲), Tort Recovery For Loss Of Chance; Forest Law Rewiew; Vol۳۶.
- www.Entrepreneurship & Business skills Encyclopedia, (۱۳۹۱) , p۳
- h.l.a hart and tony honore, (۱۹۸۵), causation in the law, oxford, clarendon pres. P۱۳۳.